



امام جواد(ع) در مناظرات تحمیلی هم اخلاق را رعایت می‌کرد/ تأثیر نهضت ترجمه بر افکار مسلمین

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تأکید کرد: یکی از مشکلات امروز ما که حتی در مناظرات علمی هم دیده می‌شود این است...

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تأکید کرد: یکی از مشکلات امروز ما که حتی در مناظرات علمی هم دیده می‌شود این است که فقط دنبال محکومیت طرف مقابل هستیم و رعایت حال افراد را نداریم در حالی که امام جواد(ع) در مناظرات به رعایت حال طرف مقابل توجه داشتند.

حمیدرضا مطهریدر سالروز شهادت نهمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، حضرت امام جواد(ع) قرار داریم. ایشان در سن کم به امامت رسید و با دسیسه‌های فراوانی از سوی مامون مواجه بود؛ دسیسه‌هایی مانند اجبار به ازدواج با دختر خلیفه و حضور در مناظرات تحمیلی.

خبرنگار ایکننا به این مناسبت با حجت‌الاسلام و المسلمین حمیدرضا مطهری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی درباره شرایط و زمانه زندگانی آن حضرت و ماجرای مناظرات تحمیلی بر امام جواد(ع) گفت و گو کرده است که در ادامه می‌خوانید؛

ایکننا - علت پیدایش مناظرات علمی امام جواد(ع) با فقها و اندیشمندان چه بود و مامون چرا این مجالس را برپا می‌کرد؟

مشکل دیگری که باید در ابتدای بحث عرض می‌کردم این بود که ائمه شیعه(ع) تا دوران امام جواد(ع) عمدتاً در بزرگسالی به امامت می‌رسیدند و زمینه پذیرش اجتماعی بیشتری برای ایشان فراهم بود ولی ناگهان در دوره ایشان، با امامی مواجه شدند که در سن کودکی به امامت رسید و این هم سبب می‌شد تا زمینه پذیرش برای امامت ایشان دشوار باشد به گونه‌ای که وقتی امام رضا(ع) به شهادت رسیدند برخی شیعیان به اصطلاح خودشان قصد داشتند تا امام را با طرح برخی سؤالات آزمایش کنند و با شنیدن پاسخ‌های امام به علم غیب و لدنی او پی بردند و به حقانیت جانشینی او اذعان کردند ولی به هر حال این مسئله هم سبب ایجاد بحران‌هایی در بین شیعه شد.

پس امام جواد(ع) در شرایط و وضعیتی قرار داشتند که مجبور بودند چنین مناظراتی را انجام دهند و برای تبیین این مسئله کافی است که به شرایط عصر و زمانه ایشان و پدر بزرگوارشان امام رضا(ع) نگاهی بیندازیم؛ ایشان در دوره دو خلیفه عباسی یعنی مامون و معتصم زندگی می‌کردند، مامون خودش را به نوعی طرفدار علویان و اهل بیت(ع) معرفی می‌کرد در حالی که چنین ویژگی در معتصم وجود نداشت اما همین مامونی که خودش را طرفدار اهل بیت(ع) می‌دانست متهم ردیف اول در شهادت امام رضا(ع) بود و بعد هم برای رفع اتهام و برای تیرئه نقشش در شهادت امام رضا(ع)، امام جواد(ع) را به عنوان داماد خود برگزید و ام فضل را به ازدواج امام جواد(ع) درآورد.

امام در سن کمتر از ده سال با دختر مامون ازدواج کردند و اتفاقاً در همین سن کودکی مناظرات ایشان با برخی فقها مانند یحیی بن اکثم شکل گرفت. در اینجا عباسیان از ترس اینکه مبدا جریان ولایتعهدی که برای امام رضا(ع) پیش آمد یکبار دیگر هم برای امام جواد(ع) تکرار شود با این ازدواج مخالف بودند زیرا اگر چنین می‌شد وضعیت خاندان عباسی به هم می‌خورد.

بعد از شهادت امام رضا(ع) ترس و واهمه حکومت عباسیان تا حدودی از بین رفته بود ولی اگر امام جواد(ع) هم بر مصدر کار قرار می‌گرفتند مجدداً خطر برای حکومت آنها دوچندان می‌شد لذا با ازدواج دختر مامون با امام جواد(ع) مخالفت کردند. البته چون نمی‌توانستند مستقیماً با این مسئله مخالفت کنند لذا از در دیگری وارد شدند و به او گفتند که تو دختری را به ازدواج پسر بچه‌ای در آورده‌ای که چیزی از دین نمی‌داند و حلال و حرام شرعی را هم بلد نیست.

در پی مخالفت‌هایی که درباره امام نهم و سن و سال ایشان مطرح شد، مامون از یحیی بن اکثم و از درباریان دعوت کرد که اگر شما چنین عقیده‌ای دارید او را به مجلس علمی دعوت کنید و سؤال از او پرسید و در اینجا اولین مناظرات امام جواد(ع) شکل گرفت. خاندان عباسی با تمام نیرو وارد میدان شدند و یحیی را هم با خود همراه کردند تا این فقیه دربار عباسیان پرسش‌هایی مطرح کند که امام(ع) نتواند جواب دهد و اینها خواسته خود را به مامون غالب کنند و مانع ازدواج شوند. یحیی بن اکثم سؤالی در

مورد شقوق یکی از مسائل حج پرسید و امام هم شقوق را چنان مطرح کردند که باعث تعجب همگان شد و طبق رسم در مناظرات که هر دو طرف سؤال می پرسند، امام هم سؤالی از یحیی بن اکثم پرسید و او نتوانست جواب دهد و امام این چنین پیروزمندانه از مناظره بیرون آمدند.

نمونه دیگری هم که در اواخر عمر شریف آن حضرت رخ داد و البته نمی توان آن را مناظره دانست این بود که سارقی را آورده بودند تا حد بر او جاری کنند، معتصم از دانشمندان و فقهای دربارش خواست تا حکم قطع دست او را بیان کنند و هر کدام به اقتضای دانش خودش جواب دادند؛ یکی مثلا به آیه تیمم استدلال کرد و اینکه باید از مچ قطع شود و دیگری به آیه وضو استدلال کرد و اینکه باید از آرنج قطع شود. معتصم از امام جواد(ع) فتوا خواست، امام در ابتدا نمی خواستند پاسخ دهند ولی معتصم اصرار کرد و امام(ع) با استناد به قرآن کریم و سخن و سیره پیامبر(ص) پاسخ را مطرح فرمودند یعنی استدلال امام جواد(ع) به قرآن و سیره شریف پیامبر(ص) مستند بود.

در قرآن کریم داریم که ان المساجد لله؛ محل های سجده برای خداوند است؛ از آن طرف پیامبر(ص) در روایات و سخنان، محل های سجده را که ۷ عضو بدن است بیان فرمودند و از جمله محل های سجده کف دست است و براساس آیه شریفه کف دست برای سجده است و حق ندارند آن را قطع کنند بنابراین حکم قطع ید منحصر به انگشتان سارق است و معتصم هم حکم و استدلال امام را پذیرفت و آن را جاری کرد.

بعد از این مناظرات برخی اطرافیان معتصم دسیسه کردند که تو با برپایی این مناظرات امام جواد(ع)، علویون را بر عباسیون برتری داده ای و همین دسیسه ها زمینه را برای شهادت آن حضرت فراهم کرد. واقعیت این است که امام جواد(ع) با این سخنان به نوعی ضمن اینکه فرهنگ متعالی اهل بیت(ع) را مطرح و به دیگران نشان دادند بر آنچه مورد قبول همه مسلمین است تاکید فرمودند و آن قرآن کریم و سیره پیامبر(ص) بود.

مناظرات و بیان مستدل امام با استناد به قرآن و سیره پیامبر(ص) نشان دهنده جایگاه والای علمی امام جواد(ع) است و همه مجبور به پذیرش سخنان ایشان شدند و البته حسادت ها هم در دل این ماجراها شکل گرفت.

ایکنا - روش مناظرات امام چگونه بود؟ همچنین درباره پرسش های مسلمانان آن عصر و پاسخ های امام نکاتی را بفرمایید.

در مورد روش مناظرات امام جواد(ع) به صورت خلاصه می توان گفت چند نکته مورد توجه ایشان بود؛ اول استناد و استدلال به آنچه مورد قبول طرف مقابل باشد یعنی فن مناظره امام(ع) اینطور بود که طرف مقابل را براساس باورهای خود او به چالش می کشید و صرفا باور و اندیشه و عقیده خودشان را طرح نمی فرمودند لذا به قرآن و سیره رسول الله(ص) استناد می کردند که مورد قبول همه مسلمین بود.

در همان مناظره اول، یحیی بن اکثم این مسئله را مطرح کرد که شما در مورد این سخن پیامبر(ص) چه می گویی که جبرئیل نزد پیامبر(ص) آمد و عرض کرد خداوند فرموده است به فلانی(یکی از صحابه) سلام برسان و به او بگو من از او راضی هستم آیا او هم از من راضی است؛ امام فرمودند: من منکر فضائل فلانی نیستم اما این سخن با آیات قرآن ناسازگار است زیرا پیامبر فرمودند: بعد از من دروغ به من زیاد نسبت خواهند داد و شما هر چه از من شنیدید اگر مخالف قرآن بود آن را به دیوار بزنید (فاضربه علی الجدار) و این سخن قطعا مخالف قرآن است زیرا قرآن کریم فرموده است که ما از رگ گردن به شما نزدیکتریم و می دانیم آنچه در قلب شما می گذرد و خدایی که چنین علمی دارد آیا ممکن است از رضایت فلان فرد بی خبر باشد که بخواهد جبرئیل را بفرستد و او از آن فرد سؤال کند که آیا از خدا راضی است.

در اینجا هم طرف مناظره و حکومت عباسیان مجبور شدند سخن مستدل امام جواد(ع) را بپذیرند کما اینکه در حکم قطع ید سارق هم امام به قرآن و سنت رسول الله استناد فرمودند و همه مجبور به پذیرش آن شدند. علاوه بر این، امام(ع) در مناظره به طرف مقابل احترام می گذاشتند.

یکی از مشکلات امروز ما که حتی در مناظرات علمی هم دیده می شود این است که فقط دنبال محکومیت طرف مقابل هستیم و رعایت حال طرف مقابل را نداریم در حالی که امام جواد(ع) به رعایت حال طرف مقابل توجه داشتند چنانچه وقتی یحیی بن اکثم در جلسه مناظره شکست خورد، امام(ع) از یحیی سؤال کرد که آیا اجازه می دهی من هم سؤالی بپرسم یعنی رعایت حال او را کرد و امام(ع) به اندیشه و عقاید دیگران بدون مهاها نمی تاخت و به آنچه طرف مقابل قبول داشت استناد می فرمودند یعنی امام استدلال و برهان را با اخلاق جمع کردند و حتی این برخورد اخلاقی باعث جذب برخی افراد بود و در حقیقت امام(ع) شرط مسلمانی را به جا می آوردند.

ایکنا - مهمترین ویژگی دوران امام جواد(ع) به لحاظ فرهنگی و اجتماعی چه بود؟

از جهت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران امام جواد(ع) دوره ای متفاوت از دوره امام رضا(ع) بود زیرا قسمت عمده عمر امام جواد(ع) هم دوره با معتصم بود و این خلیفه برخلاف مامون که تظاهر به دوستی با اهل بیت(ع) داشت و در باطن دشمنی می کرد، او بی پروا و بدون رعایت ظاهر با اهل بیت(ع) و علویون دشمن بود، همچنین در این دوره شاهد ورود علوم دخیله از بیرون جهان اسلام به درون آن هستیم و همین مسئله ضمن اینکه باعث شد تا نهضت ترجمه شکل بگیرد و مباحث علمی به خصوص کلامی رشد کند ولی موجب افزایش جریانات انحرافی در دوره امام جواد(ع) شد و سبب شد تا بحران هایی هم در بین مسلمین ایجاد شود.

فتنه خلق قرآن یکی از این مسائل بود زیرا عده ای باور داشتند قرآن، مخلوق خداوند است و برخی برخلاف آنها بر قدیم بودن قرآن تاکید داشتند و امام جواد(ع) مانند پدر بزرگوارشان امام رضا(ع)، شیعیان را از ورود به این نوع مباحث جدلی که خیری در آن نبود نهی فرمودند؛ در این دوره فرقه غالیان هم فعالیت زیادی داشتند.

گفت وگو از علی فرج زاده